

ورود مستقیم آمریکا
به جنگ ایران و عراق در خلیج فارس



ورود مستقیم آمریکا به جنگ ایران و عراق در خلیج فارس

نظامیان آمریکایی در حمایت از ارتش بعث عراق در شرایطی که ایران به یک برتری نظامی نسبت به عراق دست یافته بود، حتی از مداخله مستقیم نظامی علیه مردم ایران کوتاهی نکردند. حمایت از عراق در جنگ، علاوه بر تجهیز تسلیحاتی، به حضور نظامی در خلیج فارس و سپس درگیری نظامی منجر شد .

در تاریخ ۳۰ شهریور ۱۳۶۶ هنگامی که مقام معظم رهبری، به عنوان رئیس جمهور وقت برای شرکت در چهل و دومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد عازم نیویورک بود، آمریکایی‌ها برای تحت الشعاع قرار دادن تلاش‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی کشتی تدارکاتی هشتصد تنی «ایران اجر» را توسط دو فروند بالگرد نظامی، مورد حمله قرار دادند .

ورود مستقیم آمریکا به جنگ ایران و عراق در خلیج فارس

دو هفته بعد (۱۶ مهر ۱۳۶۶) نیز بالگردهای امریکایی در تهاجمی دیگر، قایقهای گشتی سپاه پاسداران را که در آبهای خلیج فارس مشغول گشت‌زنی بودند، مورد حمله قرار دادند.

همچنین تهاجم وحشیانه ناوهای آمریکایی به ناوچه «سهند» و حمله نظامی آمریکا به سکوهای نفتی ایران از دیگر اقدامات مستقیم نظامی آمریکا در طول جنگ تحمیلی بود.

دو تن از نویسندگان آمریکایی در کتاب خود در این باره می‌نویسند:

«زمانی که به نظر می‌رسید ایران در حال تفوق بر عراق است، آمریکا و متحدینش نگران شده، واشنگتن تصمیم گرفت که از عراق حمایت‌های مالی و تسلیحاتی به عمل آورد. اما یک مشکل عمده وجود داشت و آن اینکه از لحاظ قوانین

ورود مستقیم آمریکا به جنگ ایران و عراق در خلیج فارس

آمریکا، اعطای اعتبار و وام و برقراری ارتباطات گسترده با کشورهای که در لیست کشورهای حامی تروریسم قرار دارند، منع شده است. لذا در ماه مارس ۱۹۸۲ (اسفند ۱۳۶۰) وزارت خارجه آمریکا، به سرعت عراق را از لیست این کشورها حذف کرد. یک محقق آمریکایی دیگر نیز در کتاب خود می نویسد:

«به جای آنکه روابط آمریکا و عراق رو به سردی برود، بالعکس، تلاش هایی به منظور گسترش این روابط صورت پذیرفت. از قبیل حذف نام عراق از لیستی که وزارت خارجه آمریکا در مورد کشورهای حامی تروریسم بین المللی تهیه کرده بود، تضمین اعتبارات اعطایی ایالات متحده و برقراری مجدد روابط کامل و دیپلماتیک در سال ۱۹۸۴.»

ورود مستقیم آمریکا به جنگ ایران و عراق در خلیج فارس

راديو آمریکا نيز در گفتاري به تاريخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۰، با اشاره به اين قضيه گفت:

«پس از حذف نام عراق از ليست کشورهاي حامي تروريسم، ناگهان (سيل) اعتبارات از سوي بانک بين المللي صادرات و واردات، و تضمين وام هاي بين المللي از سوي مؤسسه اعتبارات بازرگاني، به جانب بغداد روان شد.

به دنبال اين زمينه چيني ها، ريگان در ماه دسامبر ۱۹۸۳ (آذر ۱۳۶۲)، «دونالد رامسفيلد» فرستاده ويژه خود را با نامه اي به خط خود به بغداد فرستاد و به صدام حسين نيز پيشنهاد کرد که مناسبات دو کشور از سر گرفته شود.

ريگان خواهان گسترش پيوندهاي نظامي، فني، و تجاري دو کشور شد و صدام حسين نيز از اين پيشنهاد به گرمي استقبال کرد.

ورود مستقیم آمریکا به جنگ ایران و عراق در خلیج فارس

«کنت تیمرن» نیز در این باره می گوید:
«تحریم تجاری ایران از سوی آمریکا، نشانه پایان
ابهام دیپلماتیک حاکم بر اتحاد و دوستی آمریکا
با صدام حسین بود. آمریکا برای خلاص شدن از
دست آیت الله خمینی، روی صدام حساب می
کرد و می کوشید به طریق گوناگون، ولی سنجیده
و حساب شده، به صدام و اهداف او کمک نماید.
در ماه فوریه ۱۹۸۴ (بهمن
۱۳۶۳)، ریچارد مورفی معاون وزارت خارجه آمریکا
رسماً به بغداد سفر کرد.»

رادیو آمریکا نیز در تاریخ ششم اوت ۱۹۹۰ طی گزارشی
اعتراف می کند که: صدام در جریان جنگ ایران
با عراق از پشتیبانی آشکار آمریکا از جمله تشریک
مساعی اطلاعاتی، تحویل کالاهای غیرنظامی، مواد
غذایی، و هلی کوپترهای غیرنظامی " بل " که وی

ورود مستقیم آمریکا به جنگ ایران و عراق در خلیج فارس

برای مصارف نظامی تحویل می گرفت، برخوردار گردید.

در همان زمانی که روابط میان دو کشور مجدداً برقرار شد، شرکت "بکتل" که یکی از شرکتهای ساختمانی ایالات متحده است، پروژه ساخت خط لوله ای را که صادرات نفتی عراق را از طریق اردن به خلیج عقبه می رساند با عراقی ها مورد مذاکره قرار داد. عراقی ها به این خط لوله به شدت احتیاج داشتند زیرا حافظ اسد رییس جمهور سوریه، خط لوله ای را که از طریق سوریه منتقل می شد در سال ۱۹۸۲ بسته بود. در آن هنگام شرکت بکتل وجهه سیاسی قدرتمندی داشت زیرا دو تن از مقامات اجرایی سابق آن یعنی "جورج شولتز" و "گاسپارو اینبرگر" در دولت ریگان وزارت امور خارجه و

ورود مستقیم آمریکا به جنگ ایران و عراق در خلیج فارس

وزارت دفاع را بر عهده داشتند. دولت ریگان از این پروژه حمایت می کرد. زیرا انجام این پروژه عراق را قادر می ساخت برای خرید اسلحه، ارز خارجی بیشتری به دست آورد.

«پیر سالیانجر» و «اریک لوران» در کتاب «پرونده محرمانه جنگ خلیج فارس می نویسند:

صدام زرادخانه بزرگی برای سلاح های شیمیایی در اختیار دارد و از آن در جنگ علیه ایران برای شکستن حمله های نظامی ایران و نیز برای سرکوب روستاها و شهرهای کردستان عراق استفاده کرده است. در دستیابی عراق به این نوع سلاح ها نیز کمک های غرب نقش اصلی را بازی کرده است. ما اسامی و آمار ۲۰۸ شرکت (آلمانی، آمریکایی، انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی، سویسی، اطریشی و...) را به دست آورده

ورود مستقیم آمریکا به جنگ ایران و عراق در خلیج فارس

ایم که هر کدام به اندازه متفاوتی در برنامه های جنگی عراق به خصوص در زمینه تأسیس صنایع شیمیایی سهمیم بوده اند.

در ماه اوت سال ۱۹۸۶ (مرداد ۱۳۶۵)، سازمان "سیا" یک سیستم الکترونیکی بسیار پیچیده و امن ارتباطی گسترده به راه انداخت که واشنگتن را مستقیماً به بغداد مربوط می کرد. برای دو ماه متوالی، صدام حسین از طریق ایستگاه بغداد اطلاعات مستقیمی را درباره آرایش های نظامی ایران دریافت می داشت. از طریق این شبکه عظیم ارتباطی، اثرات بمباران های عراقی در تأسیسات ایران نیز ارزیابی و به وسیله "سیا" در اختیار رژیم عراق گذارده می شد. بخش عظیم این ارزیابی ها به وسیله یک واحد ویژه که در مرکز "ایستگاه بغداد" تأسیس شده بود، انجام می شد.

ورود مستقیم آمریکا به جنگ ایران و عراق در خلیج فارس

بنا بر گزارشی که در روزنامه "واشنگتن پست" در سال ۱۹۸۶ منتشر شد، حتی "کیسی" رئیس سازمان سیا، با مقامات عراقی در واشنگتن ملاقات کرد تا مطمئن شود که این شبکه ارتباطی به درستی کار می‌کند و در ضمن عراقی‌ها را به انجام حملات بیشتری به خاک ایران تشویق کرد

